

The battle methods in the period of Nader Shah Afshar

Farzad khoshab¹ | Sahmedin Khazaii² | Taghi Asghari³

¹. Ph.D. Student. Department of History, Faculty of Humanities, University of Lorestan, Iran. E-mail: khoshab.fa@fh.lu.ac.ir

². Corresponding Author, Assistant Professor Department of History, Faculty of Humanities, University of Lorestan, Iran. E-mail: khazaei.s@lu.ac.ir

³. Post Graduate of Islamic History of Iran, Mohaghegh Ardabili University. E-mail: taghi.asghari1366@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 22Feb2021

Received in revised

form: 3June2021

Accepted: 15Aug 2021

Published online: 23Oct2021

Keywords:

Nader Shah
, Wars
methods,
Spying, Surprise,
Disintegration.

The use of different methods of battle has always been one of the ways to win over rivals, and the establishment of different dynasties throughout history has depended on military power and the use of various military tactics. Nader Shah was one of the unique personalities in the history of the war in Iran who was able to win various domestic and foreign battles by using various methods of war and cut off the hands of foreigners from the territory of Iran. The present study seeks to use the descriptive-analytical method and using first-hand sources and new research to answer the question that Nader has from the time of his emergence to the end of his reign to conquer different regions and overcome domestic opponents and foreign enemies what battle methods have used to win battles? The research results show that Nader used methods such as sending Ilychi to intimidate and surrender to the enemy, using a spy system, surprising the enemy, capturing the castle in various ways, including smashing, to suppress and defeat domestic rivals and foreign enemies, dropping divisions between enemy forces, spreading rumors about the killing of the commanders, inciting the his forces before the attack and during the war, paying attention to the forces's pension and using the spoils properly and attracting the attention of the commanders and elders.

Cite this article: khoshab.,Far zad Sahmedin& Khazaii &Taghi Asghari. (2022). The battle methods in the period of Nader Shah Afshar. Journal of Historical Researches of Iran and Islam vol 15No29, Pages161-186.

DOI: [10.22111/JHR.2021.35880.2936](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.35880.2936)

© The Author(s). khoshab., Farzad Sahmedin Khazaii Taghi Asghari

Publisher: University of Sistan and Baluchestan



DOI: [10.22111/JHR.2021.35880.2936](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.35880.2936)

شیوه‌های نبرد در دوره‌ی نادرشاه افشار

فرزاد خوش آب^۱ | سهم‌الدین خزائی^۲ | تقی اصغری^۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه لرستان، khoshab.fa@fh.lu.ac.ir

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول): khazaei.s@lu.ac.ir

۳. دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه محقق اردبیلی، taghi.asghari1366@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف نبرد همواره یکی از راه‌های پیروزی بر رقیبان بوده و تأسیس سلسله‌های مختلف در طول تاریخ وابسته به توان نظامی و استفاده از تدابیر و ترفندهای نظامی مختلف بوده است. نادرشاه یکی از شخصیت‌های بی‌نظیر تاریخ جنگ در ایران بوده که با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف جنگی، توانست در بیشتر نبردهای داخلی و خارجی، پیروزی را از آن خود کرده و دست بیگانگان را از خاک ایران کوتاه کند. پژوهش حاضر با استفاده روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع دست‌اول و پژوهش‌های جدید به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که نادر از زمان ظهور تا پایان دوره‌ی پادشاهی خود برای تسخیر مناطق مختلف و غلبه بر مخالفان داخلی و دشمنان خارجی از چه شیوه‌های جنگی‌ای برای پیروزی در نبردها استفاده کرده است؟ یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که نادر برای سرکوبی و غلبه بر رقبای داخلی و دشمنان خارجی از شیوه‌هایی مانند فرستادن ایلچی به‌منظور رعب و وحشت و تسلیم دشمن، استفاده از سیستم جاسوسی، غافلگیر کردن دشمن، قلعه‌گیری با روش‌های مختلفی از جمله نقب زدن، تفرقه‌افکنی در میان نیروهای دشمن، شایعه‌پراکنی در مورد قتل فرماندهان، تهییج سپاه پیش از حمله و به هنگام جنگ، توجه به مستمری سپاه و استفاده مناسب از غنائم و جلب نظر امرا و بزرگان استفاده کرده است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴

تاریخ نشر آنلاین: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

واژه‌های کلیدی:

نادرشاه،

شیوه‌های جنگی

جاسوسی،

غافلگیری،

تفرقه‌افکنی

استناد: خوش آب، فرزاد؛ سهم‌الدین خزائی، تقی، اصغری (۱۴۰۰).. شیوه‌های نبرد در دوره‌ی نادرشاه افشار. پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۵ شماره ۲۹. ص ۱۶۱-۱۸۶.

DOI: [10.22111/JHR.2021.35880.2936](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.35880.2936)

مقدمه

در تاریخ جنگ در ایران همواره نام نادرشاه به‌عنوان یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار می‌درخشد. وی نخست در خدمت طهماسب دوم صفوی و پس‌از آن با تشکیل سلسله‌ی افشاریه، در بیشتر نبردهای داخلی و خارجی سربلند و پیروز بود و همه‌ی این موفقیت‌ها به خاطر استفاده از تدابیر و ترفندهای مختلف نظامی و هوش جنگی بالایی بوده که نادر از آن برخوردار بود. او با تاکتیک‌های مختلف نظامی توانست حکام داخلی و طوایف شورشی را سرکوب کرده و به مقابله با دشمنان خارجی بپردازد. در ارتباط با نادرشاه پژوهش‌های زیادی صورت گرفته از جمله شعبانی (۱۳۸۹)، قدوسی (۱۳۸۷)، لارودی (۱۳۸۸)، آکسورثی (۱۳۹۵)، فلور (۱۳۶۸)، لکه‌پارت (۱۳۳۱)، قوزانلو (۱۳۰۹)، مینورسکی (۱۳۱۳) و رضازاده شفق (۱۳۸۹) که هرکدام چگونگی قدرت‌گیری نادر و اقدامات بعدی وی را شرح داده‌اند، اما هیچ‌کدام از پژوهش‌های مذکور به شرح تاکتیک‌های نظامی نادر توجهی نداشته‌اند. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا تاکتیک‌های مختلف نظامی نادر برای سرکوب مخالفان داخلی و غلبه بر دشمنان خارجی با تکیه بر منابع دست اول مورد ارزیابی قرار گیرد. در دروه‌ی نادر برای غلبه بر دشمنان از شیوه‌های متفاوتی استفاده می‌شد که به تفکیک می‌آید:

۲. فرستادن ایلچی

فرستادن ایلچی پیش از حمله یکی از شیوه‌های نادر برای تسلیم دشمنان بود. ایلچسانی که به این منظور روانه می‌شدند تمام تلاش خود را برای تطمیع مخالفان به کار می‌گرفتند. استفاده از شیوه‌هایی مانند ایجاد ترس و وحشت از عواقب نافرمانی و مقابله با سپاه نادر و وعده‌هایی مانند تضمین جان و مال اهالی منطقه در صورت اظهار اطاعت مرسوم بود. این شیوه از یک سو از تلفات سپاه جلوگیری می‌کرد و از سوی دیگر در ترغیب دیگر مناطق جهت اطاعت مؤثر واقع می‌شد. نمونه‌ی این اقدام، زمانی که نادر برای سرکوب مخالفان خواف روانه شد، در میانه‌ی راه از سرکشی طایفه‌ی بیات آگاه شد. به همین دلیل نخست در نزدیکی محلی موسوم به قدمگاه چند نفر را به رسم ایلی به سوی رستم‌علی بیگ، ریش سفید طایفه‌ی بیات و بیرام‌علی خان، فرمانروای منطقه‌ی مذکور، فرستاد. ایلچیان

اعلام کردند که با اخلاص در درگاه نادر حاضر شوند، در غیر این صورت به غضب پادشاه دچار می‌شوند. بزرگان منطقه نیز پس از دریافت پیغام نادر همگی با پیشکش و هدایای بسیار به حضور او رسیدند و اظهار اطاعت کردند. سپس نادر با اطمینان خاطر از سوی آن‌ها به سوی خواف حرکت کرد (مروی، ۱۳۶۹: ۸۱/۱). یا زمانی که نادر محمدعلی‌خان را برای حمایت از پیرمحمدخان و خانجان به سمت بلوچستان روانه کرد، در بین راه با گروهی از افغان‌ها درگیر شد و گروهی از آن‌ها را به اسارت گرفت و پس از تفتیش اسرا متوجه کمین‌گاه افغان‌ها شد. سپس محمدعلی‌خان برای جلوگیری از جنگ، سعی کرد از طریق ایلی آن‌ها را تطمیع کند. به همین منظور اسرا را به همراه پیشکش و هدایایی نزد طمغاج‌خان حاکم آن‌ها فرستاد و به او اعلام کرد که «اگر هم‌چون مرغ در آسمان شوی و چون ماهی به قعر دریای عمان رفته باشی دمار از روزگار شما برمی‌آوریم و همه را کشته و اسیر نموده روانه‌ی مملکت خراسان خواهیم کرد». در نهایت محمدعلی‌خان توانست با این‌گونه تهدیدها آن‌ها را به اطاعت وادارد (همان: ۵۳۱-۵۳۲).

استفاده از ایلچی پس از سرکوب حکام مناطق بزرگ و با القای ترس در مناطق کوچک‌تر گاهی فرمانبرداری آن‌ها را به همراه داشت. استفاده از این شیوه در ولایات مازنداران به کار گرفته شد. به این ترتیب که نادر پس از سرکوب ذوالفقارخان در هرات، بلافاصله به همه‌ی حکام ولایات مازنداران پیغامی مبنی بر فرمانبرداری آن‌ها فرستاد که با اطاعت حکام مناطق مزبور همراه بود (همان: ۹۲). گاهی اتفاق می‌افتاد که تطمیع برخی از مخالفان از طریق فرستادن ایلچی و یا ایجاد تهدید و ترس و وحشت میسر نمی‌شد. به همین دلیل با فرستادن هدایا و پیشکش آن‌ها را مطیع می‌کرد. نمونه‌ی این اقدام، زمانی بود که نادر نامه‌هایی را برای تطمیع اویماقات گسیل داشت و همه‌ی حکام منطقه به جز دلاورخان تأمینی اظهار اطاعت کردند. نادر پس از آگاه شدن از این قضیه محمدرضاییگ را به همراه خلعت شاهانه نزد او فرستاد و موجبات اطاعت وی را فراهم کرد (همان: ۱۸۵)؛ اما گاهی نیز شیوه‌ی تطمیع و فرستادن ایلچی مؤثر واقع نمی‌شد، چنان‌که در قندهار (فلور، ۱۳۶۸: ۱۰۷)، خوارزم (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۵۱۸-۵۱۷)، مرو (مروی، ۱۳۶۹: ۶۷/۱-۷۱)، همدان، هرات (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۸۰ و ۱۱۵) و در مقابل عاشورخان (همان: ۵۱) این اتفاق نیفتاد.

۳. استفاده از جاسوس

استفاده از سازمان جاسوسی یکی از شیوه‌هایی بود که نادر در جنگ‌ها به چند شکل از آن استفاده می‌کرد و نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی‌های او داشت. اخبار جاسوسان در چگونگی رویارویی با آن‌ها مؤثر بود. جاسوس‌ها در برخی از مواقع خطر مخالفت علیه حکومت مرکزی را گزارش می‌دادند. زمانی که نادر در ۱۱۴۵ ه.ق حکام شوشتر و هویزه که برای کمک‌رسانی به محمدخان بلوچ اعلام آمادگی کرده بودند را سرکوب کرد، از طریق جاسوسان خود متوجه شد که یحیی‌خان نامی از طرف محمدخان بلوچ به همراه ۸۰۰۰ نیروی نظامی به حوالی بهبهان آمده است. نادر بلافاصله برای سرکوب او روانه شد (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۲۶؛ مروی، ۱۳۶۹: ۱/۳۴۴-۳۴۵؛ طهرانی، ۱۳۴۹: ۳۱). یا زمانی که جاسوسان اخباری مبنی بر پیش‌روی فوج عظیمی از ترکمن‌ها به خوارزم و اسارت شماری از نیروهای افشار را به اطلاع نادر رساندند، برای جلوگیری از پیش‌روی آن‌ها با فرستادن خلعت و هدایایی برای ابوالفیض‌خان، حاکم خوارزم، خواستار مقابله‌ی او با ترکمن‌ها شد، هرچند نیروی‌های ترکمن تنها پس از رسیدن سپاه افشار عقب‌نشینی کردند (کشمیری، ۱۹۶۰: ۸۸-۸۹). همچنین در ۱۱۵۱ ه.ق که نادر برای تسخیر قندهار حرکت کرد، در راه جاسوسان خبر شورش علیمردان‌خان در منطقه‌ی بختیاری را به او گزارش دادند. نادر پیش از حمله به قندهار نخست به سرکوب خان بختیاری اقدام کرد و سپس روانه‌ی قندهار شد (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۴۸۶-۴۸۸). گاهی جاسوسان به‌عنوان پیش‌قراول به میان سپاه دشمن فرستاده می‌شدند تا اطلاعاتی از مواضع آن‌ها گردآوری کرده و به فکر مواجهه‌ی مناسب درمقابل آن‌ها باشند. در همین راستا در ۱۱۵۰ ه.ق نادر پیش از حمله به هند به منظور آگاهی از نحوه‌ی استقرار محمدشاه گورکانی افرادی را به میان سپاه او فرستاد. جاسوسان و در رأس آن‌ها زادخان سرهنگ خود را شبیه به جوکیان هندی درآورده و با حضور در میان سپاه هند اطلاعات مهمی از آن‌ها به‌دست آوردند و خبر آمدن سعادت‌خان و پیوستن او به محمدشاه را به نادر گزارش دادند و نادر برای جلوگیری از اقدامات آن‌ها وارد عمل شد (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۵۹؛ استرآبادی، ۱۳۹۰: ۳۱۹؛ مروی، ۱۳۶۹: ۲/۷۱۳-۷۱۴؛ استرآبادی، ۱۳۶۶: ۴۲۹-۴۳۰). مشابه این اقدام زمانی بود که فرخ‌پاشا به دستور عثمان‌پاشا برای سرکوب نادر به نهند آمد و جاسوسان نادر با لباس مبدل در میان آن‌ها حضور پیدا کردند و اخبار

تبادل نظر در شورای نظامی عثمانی‌ها را به اطلاع او رساندند و نادر برای مقابله با اقدامات آن‌ها آماده شد (مروی، ۱۳۶۹: ۱۳۷/۱-۱۳۸).

گاهی جاسوسان برای آگاهی از مواضع نیروهای دشمن به اسیر کردن و تفتیش شماری از آن‌ها اقدام می‌کردند. در ۱۱۴۱ ه.ق اشرف افغان پیش از جنگ با نادر در سردره‌خوار از سرعسگر عثمانی در همدان تقاضای کمک کرده بود و پاشای عثمانی به‌منظور کمک‌رسانی به او شماری از پاشایان صاحب‌منصب را روانه کرده بود. درمقابل سپاه نادر در اطراف مورچه‌خورت به فاصله‌ی دو فرسخی با سپاه اشرف اقامت کرد. در ابتدا فوجی از قراچورلوها به مقدمه‌ی سپاه اشرف حمله کردند و شماری از آن‌ها را اسیر کردند و به نزد نادر آوردند. پس از تفتیش آن‌ها نادر متوجه کمک‌رسانی عثمانی‌ها به اشرف شد و با آگاهی از این موضوع مواضع خود را تغییر داد (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۴). یا در ۱۱۵۰ ه.ق در حمله‌ی نادر به پیشاور، ناصرخان حاکم این منطقه با تحریک سپاهیان خود به مقابله با نادر برخاست. نادر با آگاهی از این موضوع نخست شماری از پیش‌قراولان خود را فرستاد تا از اطراف و بلوکات این ناحیه افرادی را برای کسب اطلاعات حاضر کنند. به این ترتیب قراولان چند نفر از ناحیه‌ی پیشاور را به اسارت گرفته و پس از تفتیش آن‌ها متوجه اقدامات ناصرخان مبنی بر جمع‌آوری سپاه از مناطق مختلف و همچنین جلوگیری از عبور سپاه نادر در تنگه‌ی خیبر شدند. به همین دلیل نادر لشکر خود را تقسیم کرد تا در مواجهه با ناصرخان با مشکل مواجه نشود (مروی، ۱۳۶۹: ۶۳۷/۲-۶۳۹). نادر با این‌گونه اقدامات از شیوه‌ی عملکرد دشمن آگاه شده و روش درست مقابله با آن‌ها را درپیش می‌گرفت. همچنین در همین سال و زمانی که نادر به سمت هند در حال پیش‌روی بود سرداران او شماری از سپاه دشمن را اسیر کردند و نادر پس از تفتیش آن‌ها متوجه شد که علت تعلل محمدشاه گورکانی در جنگ، انتظار برای پیوستن نیروهای سعادت‌خان به سپاه هند است (استرآبادی، ۱۳۶۹: ۳۲۲-۳۲۰). نادر با کسب این اطلاعات و برای جلوگیری از پیوستن سعادت‌خان به محمدشاه، مسیر خود را به سمت قسمت شرقی اردوگاه هندی‌ها تغییر داد تا از این طریق مانع ادغام نیروهای هندی شود (مروی، ۱۳۶۹: ۷۲۱/۲).

گاهی نیز کسب آگاهی از تشکیلات نظامی دشمن سبب می‌شد تا در فرصت مناسب آن‌ها را غافلگیر کنند. برای نمونه در ۱۱۴۴ ه.ق که احمدپاشا به حکومت ذهاب منصوب شد، برای حمله و شبیخون به سپاه نادر روانه شد. نادر با استفاده از اخبار جاسوسان شبانه از بیراهه خود را به منطقه‌ی ذهاب رساند و با طلوع آفتاب آن‌ها را غافلگیر کرد و به قتل و کشتار نیروهای احمدپاشا اقدام کرد (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۱۹۰-۱۹۲؛ استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۹۸-۳۰۳). نمونه دیگر این اقدام در حمله به بلوچستان اتفاق افتاد. زمانی که خانجان و پیرمحمدخان از طرف نادر به سمت بلوچستان روانه شدند، برای گردآوری اطلاعات از محبت‌خان به تفتیش کاروان‌ها و مردم این ناحیه اقدام کردند. پس از تفتیش آن‌ها مشخص شد که محبت‌خان حدود ۲۰۰۰۰ سواره و پیاده گرد کرده و منتظر است تا در فرصت مقتضی سرداران نادرشاه را مورد حمله قرار دهد. همچنین طبق گزارش آن‌ها برادر محبت‌خان، الیاس‌خان در نواحی فلات به گردآوری سپاه مشغول بود و برای درخواست کمک از همسایگان نامه‌نگاری کرده بود. سرداران قزلباش با آگاهی از این اخبار عازم سرکوب محبت‌خان شدند و زمانی که وارد بلوچستان شدند ۲۰ نفر از سرداران خود را پیشاپیش روانه کردند تا با دیدن علامات سپاه محبت‌خان به آن‌ها گزارش دهند. پیش‌قراولان در میانه‌ی راه با مشاهده‌ی سپاه محبت‌خان سه نفر از آن‌ها را دستگیر کردند سپس با ۱۲۰۰۰۰ نفر عازم جنگ با محبت‌خان شدند (مروی، ۱۳۶۹: ۴۹۵/۲-۴۹۷). بنابراین استفاده از سازمان جاسوسی در جنگ‌ها توسط نادر سبب می‌شد تا در موقعیت‌های مختلف و به اقتضای اخبار به‌دست آمده درخصوص جایگاه استقرار و شمار نیروهای دشمن و همچنین نیروهای کمکی آن‌ها، بهترین شیوه برای مقابله با آنها را در پیش گرفته و همین سبب پیروزی در بسیاری از نبردهای نادر با رقبا بود.

۴. غافلگیری

یکی از شیوه‌های متداول جنگی در دوره‌ی نادر به کارگیری غافلگیری بود که به روش‌های مختلفی صورت می‌گرفت:

۴-۱. استتار

یکی از روش‌هایی که در غافلگیری دشمن از آن استفاده می‌شد استتار نیروهای نظامی بود. این نیروها پیش از جنگ در مکان‌هایی که احتمال درگیری در آن‌ها محتمل بود اقدام به استتار می‌کردند و به محض رسیدن نیروهای دشمن آن‌ها را غافلگیر می‌کردند. در ۱۱۴۳ ه.ق که نادر، اسماعیل خان و ابراهیم خان را به محاصره‌ی اسفزار فرستاد و در ادامه جمعی را به سرکردگی سردار سلطان قراچورلو به قصد دستبرد به این منطقه روانه کرد. در این میان گروهی از سپاهیان افشار در اطراف قلعه‌ی چنبران خود را مخفی کرده بودند. زمانی که افغان‌ها به تصور کم بودن نیروهای افشار به آن‌ها حمله کردند، نیروهای افشار از مواضع خود بیرون آمده و آن‌ها را شکست دادند (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۱۵۵-۱۵۶). در ۱۱۴۹ ه.ق نیز که رضاقلی میرزا، قرشی را محاصره کرد، اهالی این منطقه در پی اخباری مبنی بر آمدن ابوالفیض خان و کمک به آن‌ها، نیروهای رضاقلی میرزا را مورد تعقیب قرار دادند. پیش از این اقدام محمدحسین خان کرد زعفرانلو و محمدحسین خان قاجار به همراه ۱۰۰۰ نفر در جنگل پنهان شده بودند. با حمله‌ی نیروهای قرشی سربازان رضاقلی میرزا به درون جنگل پیش‌روی کرده و با نزدیک شدن ازبک‌ها به منطقه‌ی مورد نظر آن‌ها را مورد حمله قرار داده و شمار زیادی را به قتل رساندند (همان: ۲۹۵؛ مروی، ۱۳۶۹: ۵۹۰/۲).

در زمانی که شمار نیروهای دشمن زیاد بود نیز از این شیوه استفاده می‌شد. در ۱۱۴۸ ه.ق نادر برای مقابله با عبدالله‌پاشا در قلعه‌ی قارص اردو زد، درحالی که قوای او ۵۵۰۰۰ تن و شمار قشون عثمانی ۸۰۰۰۰ تن بود. نادر با مشاهده‌ی اردوی دشمن نیروهای خود را به ظاهر و با عجله تقسیم کرد سپس به جانب ایروان عقب‌نشینی کرد و پس از طی مسافتی نیروهای خود را در محلی که قبلاً برای مقابله با دشمن در نظر گرفته بود مستقر کرد. در این ناحیه شماری از سربازان در جنگل و کوه‌ها مخفی شدند و با آمدن عبدالله‌پاشا، نیروهای افشار از محل استتار خود بیرون آمده و شکست سختی بر سپاه

عثمانی تحمیل کردند (کرتی، ۱۳۹۶: ۵۹-۶۱؛ هنوی، ۱۳۹۳: ۱۴۹-۱۵۰؛ دوکلوستر، ۱۳۴۶: ۱۴۷؛ فسائی، ۱۳۶۷: ۵۳۳/۱).

۴-۲. فریب دشمن

یکی از شیوه‌های غافلگیری نیروهای دشمن عقب‌نشینی مصلحتی و به‌دام انداختن آن‌ها بود. در این شیوه نخست شمار کمی از نیروها به‌عنوان مقدمه با دشمن درگیر می‌شدند، سپس با عقب‌نشینی ظاهری دشمن را به تعقیب خود تحریک کرده و با رسیدن به منطقه نیروهای خودی به آن‌ها حمله می‌کردند و باعث شکست آن‌ها می‌شدند. زمانی که نادر قلعه‌ی هرات را به مدت ۱۲ ماه محاصره کرد، برای تهیه سیورسات لشکریان عده‌ای از افراد خود را به وشاقلان فرستاد که توسط افغان‌ها سرکوب شدند. نادر نیز برای سرکوب افغان‌ها ۴۰۰۰ تن را به رهبری پهلوان‌بیگ و نجف‌سلطان روانه کرد. با مقاومت افغان‌ها پهلوان‌بیگ با عقب‌نشینی ظاهری آن‌ها را وارد میدان جنگ کند. وی ۱۰۰ تن از افراد خود را به‌عنوان مقدمه روانه کرد. سپاه پیش‌قراول پس از فرار در مقابل سپاه افغان، توانستند آن‌ها را به محل استقرار نیروهای خودی هدایت کنند و پس از رسیدن به محل مزبور آن‌ها را قتل‌عام کردند (مروی، ۱۳۶۹: ۱۹۵/۱-۱۹۶). نادر در ۱۱۴۴ ه.ق نیز که برای فتح بغداد با مقاومت احمدپاشا مواجه شد، با عقب‌نشینی به سمت کرکوک، احمدپاشا را به میدان جنگ کشاند (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۱۹۲-۱۹۳).

۴-۳. سرعت عمل در غافلگیری دشمن

از دیگر روش‌های غافلگیری سرعت عمل در تجهیز سپاه و حمله به دشمن در زمانی بود که دشمن پیش‌بینی حمله را نمی‌کرد. بود. در ۱۱۴۵ ه.ق نادر پس از شکست در جنگ نخست با توپال عثمان‌پاشا به مدت ۴۰ روز در همدان به تجهیز و گردآوری سپاه اقدام کرد و در زمانی که سپاه عثمانی انتظار حمله‌ی نادر را نداشت آن‌ها را غافلگیر کرده و پس از کشته شدن توپال عثمان، سپاه عثمانی درهم شکست (کشمیری، ۱۹۶۰: ۱۶-۱۷؛ حدیث نادرشاهی، ۱۳۷۶: ۱۵۴-۱۵۵؛ دوکلوستر، ۱۳۴۶: ۱۲۱).

مروى، ۱۳۶۹: ۲۹۷/۱؛ استرآبادى، ۱۳۹۰: ۲۰۷؛ حزين لاهيجى، ۱۳۳۲: ۱۰۷). در ۱۱۴۵ هـ.ق نیز زمانی که نادر برای دومین بار بغداد را محاصره کرد، اخبار شورش محمدخان بلوچ به او رسید. نادر با آگاهی از شورش او به سرعت خود را به شیراز رساند و سربازان محمدخان که انتظار آمدن نیروهای نادر را نداشتند، متفرق شدند (وتر، ۱۳۶۳: ۱۳۲). این اقدام در سرکوب حکام هویزه و شوشتر در ۱۱۴۶ هـ.ق نیز مؤثر واقع شد. پس از آن که محمدخان بلوچ شورش کرد حکام هویزه و شوشتر به قصد حمایت از او علم ظغیان برافراشتند. نادر بلافاصله آن‌ها را محاصره کرد و آن‌ها متفرق شده و در نهایت اعلام اطاعت کردند (حدیث نادرشاهی، ۱۳۷۶: ۱۵۸-۱۶۰؛ مروى، ۱۳۶۹: ۳۴۳/۱). همچنین در ۱۱۴۷ هـ.ق که نادر برای تسخیر قندهار روانه شد، در این زمان طایفه‌ی بلباس که تابع دولت عثمانی بودند از در مخالفت درآمدند. نادر ظهیرالدوله را برای سرکوب آن‌ها فرستاد. او به سرعت خود را به طایفه‌ی بلباس رساند و آن‌ها را با غافلگیری سرکوب کرد (استرآبادى، ۱۳۹۰: ۲۷۲).

۴-۴. شیبخون زدن

یکی دیگر از روش‌های غافلگیری، شیبخون زدن بود. در ۱۱۴۵ هـ.ق که نادر به‌هنگام نبرد با توپال عثمان به گردآوری آذوقه مشغول بود، فرمانده عثمانی به تصور ضعف سپاه نادر ممش پاشا را به همراه ۲۰۰۰۰ تن به آق دربند فرستاد. نادر با آگاهی از استقرار ممش پاشا در آق دربند نیمه شب به آن‌ها حمله کرد و آن‌ها را درهم شکست (کندوله‌ای، ۱۳۹۶: ۳۴۲-۳۴۷، ایبات ۱۷۲۵-۱۷۳۷؛ استرآبادى، ۱۳۶۶: ۳۳۸-۳۴۳؛ استرآبادى، ۱۳۹۰: ۲۱۷-۲۱۸). در ۱۱۵۷ هـ.ق و زمانی که اشرف افغان، یعقوبخان قلاجی را به همراه ۲۰۰۰ تن برای درگیری با نادر روانه کرد، در میانه‌ی راه شب در دره‌ای اردو زدند و به استراحت پرداختند. در این هنگام سپاه افشار به فرماندهی نجف سلطان و محمدبیگ شبانه به آن‌ها حمله کرده و آن‌ها را شکست دادند (مروى، ۱۳۶۹: ۱۱۴/۱؛ کندوله‌ای، ۱۳۹۶: ۴۱۴-۴۱۶، ایبات ۲۳۱۸-۲۳۸۵). در مواقعی نیز که نادر رویارویی با سپاه دشمن را بی‌فایده می‌دانست برای شکست آن‌ها اقدام به شیبخون زدن می‌کرد. در ۱۱۵۷ هـ.ق نادر در مواجهه با یگن پاشا پس از آن که

رویارویی در مقابل سپاه عثمانی را بی‌فایده دانست به آن‌ها شبیخون زد و تلفات زیادی را بر سپاه عثمانی تحمیل کرد (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۴۰۸؛ کندوله‌ای، ۱۳۹۶: ۴۲۶-۴۳۰، ایبات ۲۳۱۸-۲۳۸۵).

۴-۵. کمین کردن

کمین کردن یکی از شیوه‌های غافلگیری بود. در ۱۱۵۱ ه.ق نادر در پیش‌روی به سوی هند پس از تسخیر غزنین با مقاومت اهالی کابل مواجه شد. او برای سرکوب و غلبه بر آن‌ها تعدادی از نیروهای خود را در کمین‌گاه مستقر کرد. سپس فوجی از خراسانی‌ها را برای مقابله با اهالی کابل روانه کرد تا از این طریق نیروهای دشمن را به کمین‌گاه هدایت کنند. آن‌ها پس از زدوخورد با نیروهای مدافع، آن‌ها را به سمت کمین‌گاه کشاندند و زمینه‌ی سرکوب آن‌ها را فراهم آوردند (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۴۱۸-۴۱۹). نادر پس از رویارویی با ذوالفقارخان در هرات نیز میرزا ابوطالب‌خان لالویی و اسماعیل‌خان خزیمه را به همراه ۳۰۰۰ تن تفنگچی در راه ورود سپاه ذوالفقارخان مستقر کرد. سپس با اطمینان از استقرار سپاه در کمین‌گاه با ذوالفقارخان وارد جنگ شد و زمانی که آن‌ها را از کمین‌گاه عبور داد، نیروهای افشار از پشت سر به آن‌ها حمله کرده و شمار زیادی از آن‌ها را کشتند (مروی، ۱۳۶۹: ۱۷۴/۱). همچنین در زمان حمله به هندوستان نادر با استفاده از این تاکتیک شمار زیادی از نیروهای محمدشاه گورکانی را قتل‌عام کرد (فریزر، ۱۳۶۹: ۲۵-۲۶).

۵. استفاده از سلاح‌های گرم

استفاده مناسب و به‌موقع از سلاح‌های گرم مانند توپ‌های جنگی، زنبورک‌های خمپاره‌انداز و تفنگ در جنگ عامل مهمی در پیروزی‌ها محسوب می‌شد. در مواقعی که دشمن از نظر شمار نیرو برتری داشت به‌کارگیری سلاح‌های گرم و توپ‌خانه می‌توانست سرنوشت جنگ را تغییر دهد. در ۱۱۴۱ ه.ق که اشرف افغان برای سرکوب شاه طهاسب به سوی خراسان روانه شد، شاه‌طهاسب و نادر (طهاسب‌قلی‌خان) با گردآوری سپاه و تجهیزات لازم برای مقابله با اشرف به سوی مشهد حرکت کردند و پس از طی مسافتی با استقرار لشکر افغان در مهمان‌دوست مواجه شدند. با رویارویی دو سپاه، علی‌رغم

برتری نیروهای افغان از نظر شمار، نادر با به‌کارگیری توپخانه و زنبورک مقاومت آن‌ها را درهم شکسته و سپس با حمله‌ی پیاده‌نظام، افغان‌ها را قتل‌عام و پراکنده کرد (حزین لاهیجی، ۱۳۳۲: ۸۳-۸۴؛ استرآبادی، ۱۳۹۰: ۹۷-۹۸، استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۰۳-۲۰۹؛ مروی، ۱۳۶۹: ۱۱۱/۱؛ کشمیری ب، ۱۹۶۰: ۱۰-۱۱). پس از آن افغان‌ها به شیراز وارد شده و به کشتار مردم اقدام کردند و نادر برای سرکوب آن‌ها روانه‌ی شیراز شد و آن‌ها را محاصره کرد و با شلیک توپخانه و زنبورک صفوف آن‌ها را درهم شکست و آن‌ها را متواری کرد (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۳۵). همچنین نادر در ۱۱۴۱ ه.ق پس از رویارویی با اشرف افغان در مورچه‌خورت به امیرخان توپچی‌باشی و سایر توپ‌چیان دستور داد که با شلیک توپ سپاه دشمن را متزلزل کنند. اشرف افغان پس از مشاهده‌ی این صحنه تاب مقاومت نیاورد و با رها کردن تجهیزات جنگی و تجملات پادشاهی فرار کرد (مروی، ۱۳۶۹: ۱۱۷/۱-۱۱۸؛ استرآبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

۶. توسل به حيله

نادر در بسیاری از مواقع برای مشروع جلوه دادن تهاجم‌های خود با انگیزه‌های مذهبی و سیاسی به حيله متوسل می‌شد. نادر در ۱۱۵۱ ه.ق برای پیشبرد اهداف خود در هند و حمله به محمدشاه گورکانی به حيله‌ی سیاسی متوسل شد. او پیغامی را از طریق محمدخان ترکمن به دربار محمدشاه روانه کرد و ضمن اعلام مراتب دوستی با شاه گورکانی، خواهان چهار کرور روپیه و چهار ایالت شد. نادر با این اقدام قصد داشت با محمدشاه وارد مذاکره شده و رد خواسته‌هایش را دلیل موجهی برای حمله به هند قلمداد کند (هنوی، ۱۳۹۳: ۱۹۲-۱۹۳). نادر در مواقعی که جایگاه و موقعیت سیاسی خود را در خطر می‌دید با توسل به حيله به سرکوبی دشمنانش اقدام می‌کرد. زمانی که کردهای خبوشان با توسل به بزرگان و افغان‌ها به استقبال از شاه طهماسب دوم در خبوشان پرداختند، نادر با القای این که کردها شاه طهماسب را دزدیده‌اند، بهانه‌ی لازم را به‌دست آورده و آن‌ها را سرکوب کرد (مروی، ۱۳۶۹: ۷۳/۱-۷۵).

نادر از انگیزه‌های مذهبی نیز برای پیش‌برد امور بهره می‌گرفت. او پس از فتح کابل در ۱۱۵۱ ه.ق به محمدشاه گورکانی اعلام کرد که: «بر رأی جهان‌آرای اعلی‌حضرت همایون پوشیده نماند که آمدن او به کابل و تسخیر آن محض غیرت اسلامی و دوستی نسبت به شما بوده. هرگز تصور نمی‌کردم که اشقیای دکن بتوانند از ممالک پادشاه اسلام خراج بگیرند. توقف من در این طرف اتکا به این ملاحظه است که اگر این کفار به سمت دهلی حرکت نمایند قشون ظفر نمون قزلباش را مأمور کنم آن‌ها را به قعر جهنم بفرستند. صفحات تاریخ از دوستی ما بین سلاطین ما و اجداد اعلیحضرت محشون است. به مرتضی‌علی قسم که به‌غیر از دوستی و درد مذهب هیچ مقصودی نداشته و ندارم و اگر شما غیر این گمان می‌کنید مختارید. من همیشه دوست آن خانواده‌ی نامدار بوده و هستم.» (هنوی، ۱۳۹۳: ۱۹۰). نادر برای سرکوب یزیدی‌ها نیز از انگیزه‌های مذهبی بهره گرفت. او پس از فتح کرکوک رضاقلی‌میرزا را برای سرکوب شیطان‌پرست‌های یزیدی روانه کرد. رضاقلی‌میرزا پس از ورود به منطقه به نادر اعلام کرد که مردم کرکوک از او برای سرکوب یزیدی‌ها تقاضای کمک دارند چرا که آن‌ها را معاند دین اسلام و خدا می‌دانند. به همین دلیل نادر به بهانه‌ی حمایت از اهالی کرکوک رضاقلی‌میرزا را دوباره برای سرکوب آن‌ها روانه کرد و در نتیجه‌ی این اقدام یزیدی‌ها سرکوب شدند (مروی، ۱۳۶۹: ۸۹۵/۳-۸۹۴).

۷. تفرقه افکنی

ایجاد تفرقه در میان نیروهای دشمن یکی از شیوه‌هایی بود که نادر از آن استفاده می‌کرد. او در محاصره‌ی بغداد با فرستادن پیغام‌هایی مبنی بر شکستن محاصره و جلوگیری از پیوستن نیروهای کمکی توپال‌عثمان به احمدپاشا، سعی داشت اهالی بغداد را تسلیم کند و با قرار دادن آن‌ها در مقابل احمدپاشا زمینه‌ی شورش در میان آن‌ها را فراهم کند (هنوی، ۱۳۹۳: ۱۰۶). در ۱۱۴۰ ه.ق تاتارها پس از فتح مرو، محمدرضاخان را به‌عنوان حاکم آنجا منصوب کردند، اما نادر سعی کرد با ایجاد تفرقه میان او و کاظم‌بیک اوضاع مرو را آشفته کند. او در نامه‌ای به کاظم‌بیک، او را به‌عنوان حاکم مرو منصوب کرد که در نتیجه‌ی این اقدام، محمدرضاخان حاکم انتصابی نادر را به قتل رساند. درمقابل، حامیان

کاظم‌بیک برای تلافی از نادر درخواست کمک کرده و نادر علیمرداخان را برای سرکوب آن‌ها فرستاد و در نهایت مرو را فتح کرد (مروی، ۱۳۶۹: ۷۱/۱-۷۳). گاهی تسخیر برخی مناطق و غلبه بر دشمنان با جلب نظر افرادی از گروه مقابل و خیانت آن‌ها به ولی‌نعمت خود میسر می‌شد. در ۱۱۳۸ ه.ق زمانی که نادر و شاه‌طهماسب دوم، ملک محمود سیستانی را در قلعه‌ی مشهد محاصره کردند، یکی از افراد او در قبال تأمین جان و مال خود یکی از دروازه‌های قلعه را برای نیروهای نادر باز کرد. سپس با ورود سپاهیان نادر قلعه‌ی مشهد به تصرف درآمد و ملک محمود پس از اسارت به قتل رسید (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۶۰-۶۱؛ مرعشی، ۱۳۲۸: ۷۵؛ حزین لاهیجی، ۱۳۳۲: ۷۸؛ سایکس، بی‌تا: ۳۵۸/۲-۳۵۹).

۸. قتل فرماندهان

فرماندهان نظامی به‌عنوان رکن اصلی سپاه در تعیین سرنوشت جنگ نقش ویژه‌ای داشتند. به‌همین دلیل در جنگ‌ها یکی از اهداف طرفین درگیری، اقدام به کشتن فرمانده سپاه مقابل بود، چرا که با کشتن شدن فرمانده، لشکر از هم می‌پاشید و پیروزی بر دشمن تسهیل می‌شد. در ۱۱۴۵ ه.ق در جنگ نادر با سپاه عثمانی، با کشته شدن فرماندهی آن‌ها، توپال عثمان، اطرافیان از جنگیدن دل‌سرد شده و باقیمانده‌ی سپاهیان از جنگیدن منصرف شده و فرار کردند و نادر پیروز نبرد شد (طهرانی، ۱۳۴۹: ۴۱؛ دوکلوستر، ۱۳۴۶: ۱۲۳؛ هنوی، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۲۴؛ اوتر، ۱۳۶۳: ۱۳۲؛ سایکس، بی‌تا: ۳۶۳/۲؛ ملک، ۱۳۷۹: ۴۷۶/۲). در جنگ میان نادر و عبدالله‌پاشا کرپولو نیز پس از کشته شدن او (بازن، ۱۳۶۵: ۱۵؛ کرتی، ۱۳۹۶: ۶۰) و در نبرد با سپاه یگن‌پاشا نیز با کشته شدن یگن‌پاشا و افتادن پرچم، سپاهیان عثمانی متزلزل شدند و اقدام به فرار کردند (کندوله‌ای، ۱۳۹۶: ۴۲۴؛ ایبات ۲۵۹۹-۲۶۰۱).

۹. نقش مواجب، انعام و غنایم در پیشبرد جنگ‌ها

در دروه‌ی نادرشاه به دلیل لشکرکشی‌های پی‌درپی رسیدگی به مواجب نیروهای نظامی و دادن سهمی از غنایم به آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. یکی از مهم‌ترین اقدامات نادر برای جلب رضایت سپاهیان، دادن انعام و جیره بود. این اقدام از یک سو وفاداری آن‌ها را تأمین و از سوی دیگر

انگیزه‌ی آن‌ها را برای جنگیدن چندبرابر می‌کرد. او به‌همین منظور پیش از حمله به داغستان جیره و مواجب یکساله‌ی نظامیان را پرداخت کرد و انعام زیادی را میان آن‌ها تقسیم کرد (مروی، ۱۳۶۹: ۸۳۳/۲). همچنین پس از شکست محمدشاه گورکانی در جنگ کرنال، سه ماه حقوق بلاعوض به ملتزمین و سپاهیان و عمله‌جات پرداخت کرد (فریزر، ۱۳۹۸: ۳۹). سپاهیان نادر برای لشکرکشی علیه خدایارخان، حاکم سند، پس از طی مسافت طولانی و مسیرهای صعب‌العبور در سرمای زمستان از سوی نادر به گرفتن انعام و جایزه مفتخر شدند (کشمیری، ۱۹۶۰: ۵۷-۵۸). همچنین نادر در ۱۱۵۰ ه.ق پیش از حمله به هند، کردها، گرجی‌ها، ترک‌ها، افغان‌ها، بلخی‌ها و تمامی مردان جنگی کارآزموده را فراخوند و یک ارتش ۱۲۰۰۰۰ نفری تشکیل داد. او پس از اعطای پوشاک، اسب و لوازم ضروری جنگ به آن‌ها، سهمی از غنائیم به‌دست آمده از هند را نیز به آن‌ها وعده داد (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۵۳).

در مواقعی که نیروهای نظامی افشار شکست می‌خوردند نادرشاه برای جلوگیری از تضعف آن‌ها به دادن پاداش اقدام می‌کرد و آن‌ها را برای نبردهای پیش‌رو تحریک می‌کرد. او در ۱۱۴۵ ه.ق پس از شکست و عقب‌نشینی در برابر توپال عثمان برای تجدید قوا روانه‌ی همدان شد و در مدت کوتاهی برای حمله به سپاه عثمانی آماده شد. او پیش از لشکرکشی ۲۰۰۰۰ تومان از خزانه را میان نیروهایش تقسیم کرد و با دادن اسب، شتر، چادر، شمشیر، جوشن و دیگر اقالام به آن‌ها حرکت کرد (فسائی، ۱۳۶۷: ۵۲۳/۱). گاهی پس از پیروزی در نبردی، با دادن سهمی از غنائیم پیروزی به نظامیان، آن‌ها را برای لشکرکشی‌های بعدی مهیا می‌کرد. نادر در ۱۱۴۱ ه.ق پس از غلبه بر اشرف‌افغان در مهمان‌دوست به پاس خدمات نیروهای نظامی، غنائیم به‌دست آمده را میان آن‌ها تقسیم کرد (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۱۸) و پس از شکست لژی‌ها در ۱۱۴۱ ه.ق و فتح اصفهان در ۱۱۵۳ ه.ق نیز سهمی از غنائیم را به سربازان داد (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۶ و ۳۶۶). نادر گاهی نیز با دادن انعام و جایزه به سربازانی که در جنگ شجاعت زیادی از خود نشان می‌دادند، سایر نیروهای نظامی را تحریک می‌کرد، به‌طوری‌که در جنگ با سام‌میرزا دو تن از سربازانی که سام‌میرزا را اسیر کردند از سوی نصرالله‌میرزا انعام و جایزه دریافت کردند (مروی، ۱۳۶۹: ۸۸۰/۲). در مواقعی نادر به‌منظور جذب نیروهای دشمن، با دادن تأمین جانی و مالی و همچنین وعده‌ی مواجب آن‌ها را با خود همراه می‌کرد و با این اقدام افزون بر جبران

کمبود نیرو، سبب ایجاد وحشت در میان دشمنان می‌شد. در ۱۱۵۰ ه.ق نادر پس از فتح کابل به سوی پیشاور روانه شد، ولی برای عبور از تنگه‌ها با مشکلاتی مواجهه شد. از سوی دیگر گروهی از بزرگان هند برای جلوگیری از حرکت نادر به قطع درختان و خراب کردن مسیرهای ارتباطی اقدام کردند و تلفات زیادی به سپاه نادر وارد کردند. درنهایت نادر با دادن تأمین جانی و مالی به اهالی این منطقه، آن‌ها را تحت حمایت خود درآورد و با وعده‌ی موجب و دادن سهمی از غنایم توانست آن‌ها را با خود همراه کند (هنوی، ۱۳۹۳: ۱۹۱-۱۹۲؛ اوتر، ۱۳۶۳: ۱۵۵).

۱۰. تهییج سپاهیان

در طی جنگ سرداران و فرماندهان به‌عنوان رکن اصلی سپاه نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی‌ها داشتند و اعمال و حرکات آن‌ها در میدان نبرد بر روحیه‌ی سربازان می‌افزود. نادر و فرماندهان او نیز گاهی که اوضاع را وخیم می‌دیدند برای غلبه بر نیروهای دشمن به تهییج آن‌ها می‌پرداختند. استفاده از این شیوه با آمدن فرماندهان به میدان جنگ در مواقعی که سپاه در مضیقه قرار داشت کارایی خود بیشتر را نشان می‌داد. زمانی که نادر برای سرکوب تراکمه به سوی خوارزم روانه شد، در حین درگیری طرف رود جیحون به‌دست ترکمن‌ها افتاد و کمبود آب سپاه افشار را تضعیف کرد. نادر با مشاهده‌ی ضعف سپاه و ترس از فرار نیروهای خودی وارد میدان جنگ شد و با تهییج سربازان توانست ترکمن‌ها را سرکوب کند (کشمیری، ۱۹۶۰: ۸۸). در اقدامی دیگر، نادر پس از رویارویی با توپال عثمان در نبرد نخست در ۱۱۴۵ ه.ق به‌منظور تهییج سپاه خود وارد میدان نبرد شد و به عثمانی‌ها حمله کرد و با این اقدام افشارها را برای جنگ تحریک و در حمله به دشمن جسورتر کرد (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۳۱؛ کندوله‌ای، ۱۳۹۶: ۲۸۶، ابیات ۱۲۰۲-۱۲۱۵). گاهی رجزخوانی و حرف‌های تهییج‌کننده سبب تهور و غیرت سپاهیان می‌شد و غلبه بر دشمن را میسر می‌کرد. نادر پس از تصرف خواف با حمله‌ی افغان‌ها مواجه شد و پس از شروع درگیری با دیدن ضعف سپاه خودی برای تحریک آن‌ها فریاد زد: «مردانه بکوشید یا جامه‌ی زنان بپوشید». با این اقدام از سوی نادر سپاهیان افشار با حمله به افغان‌ها توانستند آن‌ها را به عقب‌نشینی وادار کنند (مروی، ۱۳۶۹: ۸۳۸۴/۱).

نادر در شرایط ضعف، به‌جای مجازات سربازانی که از جنگ گریخته بودند با دادن انعام و دلگرم کردن آن‌ها به پیروزی، باعث تهییج آن‌ها برای نبرد می‌شد (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۳۲۳-۳۲۴؛ هنوی، ۱۳۹۳: ۱۱۹). نادر پس از شکست از توپال عثمان در نبرد نخست اعلام کرد که توپال با حيله و نیرنگ سپاه او را شکست داده و این شکست مایه‌ی شرمساری است چرا که اگر سپاهیان عثمانی وارد ایران شوند به هیچ کسی رحم نخواهند کرد. سپس این‌گونه به تحریک سپاه اقدام کرد که: «دل قوی داشته که به ضرب شمشیر الماس فام نه توپال گذارم نه خوانکار» (مروی، ۱۳۶۹: ۳۰۰/۱). با این اقدام سپاهیان افشار برای مقابله با سپاه عثمانی آماده شدند. نادر در ۱۱۴۷ ه.ق نیز پیش از رویارویی با عبدالله‌پاشا همین شیوه را در پیش گرفت و آن‌ها را برای غلبه بر سپاه عثمانی تهییج کرد. او پس از حرکت برای جنگ با عبدالله‌پاشا، سران و فرماندهان نظامی خود را احضار کرد و به آن‌ها گوش‌زد کرد که: «اگر فتوری در عزم و قصوری در رزم واقع شود راه نجات از هر طرف بسته خواهد بود» (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۵۳). نادر در نبرد با سپاه یگن‌پاشا به فرماندهی پولادپاشا نیز از ترفند تهییج سپاهیان برای غلبه بر او بهره گرفت (کندوله‌ای، ۱۳۹۶: ۴۱۴، ابیات ۲۳۱۸-۲۳۲۴).

۱۱. ویران کردن اطراف مراکز شهری

ویران کردن اطراف مراکز اصلی شهرها و از بین بردن محصولات کشاورزی یکی از شیوه‌های معمول برای غلبه بر دشمن محسوب می‌شد. در این شیوه پیش از اقدام به محاصره‌ی مراکز اصلی شهرها، با ویران کردن قصبات و محصولات کشاورزی آن‌ها، عرصه را بر دشمن تنگ می‌کردند و با درگیری و یا محاصره‌ی طولانی‌مدت آن‌ها را به تسلیم وادار می‌کردند. در ۱۱۴۵ ه.ق که نادر برای درگیری دوم با توپال عثمان روانه شد برای محصور کردن سپاه عثمانی و تنگ کردن عرصه‌ی جنگ بر آن‌ها، تمام محصولات و غله‌ی منطقه را پس از تصرف قلعه‌ی بوالان تصرف کرد و با این اقدام سپاه عثمانی را از لحاظ تدارکات به مضیقه انداخت (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۳۳۳-۳۳۴). در اقدامی دیگر نادر پس از محاصره‌ی بغداد برای جلوگیری از تهیه آذوقه توسط نیروهای احمدپاشا و ممانعت از بیشتر شدن مدت محاصره، قصبات اطراف بغداد را ویران کرد و از این طریق عرصه را بر محصورین قلعه‌ی

بغداد تنگ کرد (دوکلوستر، ۱۳۴۶: ۱۰۱؛ حزین لاهیجی، ۱۳۳۲: ۹۷). همچنین نادر پس از محاصره‌ی قلعه‌ی قارص تمامی کشاورزی منطقه را نابود کرد و عرصه بر اهالی قلعه تنگ شد و اسماعیل پاشا با فردستان پیغامی برای نادر خواهان صلح میان طرفین شد (مروی، ۱۳۶۹: ۴۰۳/۱-۴۰۶). پس از حمله به هند و محاصره‌ی سپاه محمدشاه در کرنال نیز دهات اطراف را غارت و با خاک یکسان کردند (طهرانی، ۱۳۴۹: ۵۰؛ حدیث نادرشاهی، ۱۳۷۶: ۶۲).

۱۲. قلعه‌گیری

مهم‌ترین شیوه‌ها برای تسخیر قلاع نظامی عبارت بودند از:

۱-۱۲. آب بستن به قلاع

یکی از روش‌های تسخیر قلاع نظامی در دوره‌ی نادر باز کردن آب در مسیر قلعه بود. در ۱۱۳۸ ه.ق که نادر قلعه‌های ایبورد را تصرف کرد، یکی از قلاع در ۱۰ فرسخی ایبورد که طایفه‌ی ایرلو در آن متحصن بودند بنای مخالفت گذاشت. نادر با وجود سرمای فصل زمستان به محاصره‌ی قلعه پرداخت، سپس برای تسخیر آن توبره‌های پر از خاک را در اطراف قلعه گذاشت و آب رودخانه را به سوی قلعه باز کرد (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۶). در اقدامی دیگر، زمانی که عاشورخان در مقابل نادر به مخالفت پرداخت و در قلعه متحصن شد. نادر پس از تلاش‌های بی‌نتیجه برای انقیاد او، دستور داد تا اطراف قلعه را در آب غرق کردند. به طوری که آب تا نیمی از حصارها بالا آمد و اهالی قلعه در آب شناور شدند. در نهایت عاشورخان با دیدن این وضعیت تسلیم شد (مروی، ۱۳۶۹: ۴۳/۱). همچنین نادر در ۱۱۳۸ ه.ق پس از آن که با حربه‌های مختلف موفق به فتح قلعه‌ی باغواده نشد، دستور داد که چهار طرف قلعه را با خاک و خاشاک به صورت تلی بزرگ پر کردند به گونه‌ای که عرض آن ۲۰-۳۰ ذرع و ارتفاع آن به ۹ ذرع رسید. سپس همانند استخر آن‌جا را سد بستند و آب را در آن جاری کردند. با این اقدام طی دو ساعت آب حصارها را احاطه کرد و استحکامات قلعه را درهم شکست. به همین دلیل سکنه‌ی قلعه که مقاومت را بی‌فایده دیدند تسلیم شده و نادر همه‌ی سرکردگان آن‌ها را به قتل رساند (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۳۷). نادرشاه در ۱۱۵۷ ه.ق در محاصره‌ی گنجه نیز از این شیوه بهره گرفت و به توصیه‌ی

فرماندهان سپاه خود، قسمت‌های آب‌گیر قلعه در شرق و جنوب را سد بست و آب را در آن جاری کرد و چندین برج از قلعه فروریخت، باین حال اهالی قلعه با آگاهی از آمدن عبدالله‌پاشا به منظور کمک‌رسانی مانع از فتح نهایی قلعه شدند (مروی، ۱۳۶۹: ۳۸۵/۱؛ استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۴۲-۲۴۳؛ فسائی، ۱۳۶۷: ۵۳۱/۱).

۱۲-۲. نقب زدن

نقب زدن زیر دیوارها و برج‌های مستحکم یکی از شیوه‌های مؤثر فتح قلاع محسوب می‌شد. به این ترتیب که افراد ماهر با حفر زمین در جاهای حساس قلعه‌ها و انباشتن باروت در آن‌ها پس از انفجار باعث تخریب نقاط مستحکم قلعه می‌شدند و راه را برای فتح تسهیل می‌کردند. در ۱۱۳۹ ه.ق که کردهای خبوشان به رهبری محمدحسین‌خان پس از عقب‌نشینی در مقابل نادر، در قلعه‌ی خبوشان متحصن شدند، نادر با محاصره‌ی قلعه و توسط افراد ماهر به حفر زمین اقدام کرد. اهالی قلعه با آگاهی از این موضوع عرصه را بر خود تنگ دیدند و قلعه را تسلیم کردند (مروی، ۱۳۶۹: ۷۳/۱-۷۷؛ استرآبادی، ۱۳۹۰: ۷۰-۶۹). در ۱۱۵۲ ه.ق نیز ایلبارس‌خان، حاکم خوارزم، پس از شکست در مقابل نادر در قلعه‌ی خانقاه مابین هزاراسب و خیوه پناه گرفت (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۵۲۲). سپاه نادر در محاصره‌ی قلعه به پرتاب توپ و خمپاره اقدام کرد و پس از آن که عرصه را بر آن‌ها تنگ کردند، نقب‌چیان با حفر زمین در اطراف قلعه برج‌ها را ویران کرده و ایلبارس‌خان را وادار به اطاعت کردند (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۳۵۶-۳۵۷؛ مروی، ۱۳۶۹: ۸۱۳/۲). در ۱۱۴۹ ه.ق نیز رضاقلی‌میرزا در محاصره‌ی قلعه‌ی شلوک از حربه‌های مختلفی برای تسخیر قلعه استفاده کرد؛ ابتدا نقب‌چیان با حفر زمین در اطراف قلعه متحصنین را برای خروج تحریک کردند که مؤثر واقع نشد، در نهایت آن‌ها با حفاری در زیر قلعه به داخل برج‌ها راه یافتند و موجبات فتح قلعه را فراهم کردند (مروی، ۱۳۶۹: ۵۹۹/۳-۶۰۲؛ استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۹۵).

گاهی در مواقعی که زمین حفر می‌شد با انباشتن باروت در مسیرهای حفر شده و انفجار آن‌ها، قلعه‌ها را تسخیر می‌کردند. در ۱۱۴۷ ه.ق نادر به‌سوی قلعه‌ی گنجه رفت که علی‌پاشا از طرف دولت عثمانی در آنجا پناه گرفته و به محافظت از آن مشغول بود. پس از محاصره‌ی قلعه، به سمت حصارها

نقب زدند و با آتش زدن آن‌ها تعدادی از محافظان را به قتل رساندند. از سوی دیگر هفت نقب در اطراف قلعه زده شد که ساکنین قلعه متوجه یکی از آن‌ها شدند، اما شش نقب دیگر با انباشتن ۳۵۰۰ من باروت در آن‌ها تعدادی از برج‌های قلعه را ویران کردند و عده‌ای از محافظان قلعه به قتل رسیدند (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۴۱-۲۴۲؛ استرآبادی، ۱۳۶۶: ۳۵۵). نادر در ۱۱۵۵ ه.ق پس از شکست عثمانی‌ها به رهبری حسین‌پاشا و تیمورپاشا نیز، آن‌ها را در قلعه‌ی موصل به مدت ۲۰ روز محاصره کرد و گروهی به حفر نقب مشغول شدند تا درهای قلعه را باز کنند. نادر دستور داد برج‌هایی مستحکمی که احتمال مقاومت بیشتری در آن‌ها می‌رود حفر شوند. طبق دستور نادر، نقب‌چیان تمام برج‌های مستحکم را به یکدیگر متصل کردند و پس از آتش کشیدن آن‌ها، برج‌های قلعه ویران شدند و متعاقب آن نیروهای پیاده حمله را آغاز کردند و درنهایت حسین‌پاشا با فرستادن پیشکش و هدایا تقاضای صلح کرد (مروی، ۱۳۶۹: ۹۱۵-۹۲۰/۳؛ استرآبادی، ۱۳۹۰: ۳۸۶؛ استرآبادی، ۱۳۶۶: ۶۲۶-۶۳۱).

۱۲-۳. محاصره‌ی طولانی

محاصره‌ی طولانی باعث قحطی محصورین و درنهایت موجبات تسلیم آن‌ها را فراهم می‌کرد. نادر در ۱۱۴۶ ه.ق پس از شکست احمدپاشا، او را در قلعه‌ی بغداد متحصن کرد و با مسدود کردن راه‌های ارتباطی، اهالی قلعه را در تنگنا قرار داد. با طولانی‌شدن محاصره اهالی قلعه با قحطی مواجه شده و به خوردن گوشت سگ و گربه روی آوردند. احمدپاشا با این شرایط راغب‌افندی و احمدآقا را به‌منظور صلح روانه کرد، ولی با رسیدن خبر آمدن توپال عثمان به مقاومت خود ادامه داد (کندوله‌ای، ۱۳۹۶: ۳۰۹، ابیات ۱۳۶۱-۱۳۶۳ و ۱۳۷۴-۱۳۷۴؛ حدیث نادرشاهی، ۱۳۷۶: ۱۵۲؛ استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۰۲؛ فسائی، ۱۳۶۷: ۵۲۲/۱؛ مروی، ۱۳۶۹: ۳۳۶/۱-۳۶۷؛ حزین‌لاهیجی، ۱۳۳۲: ۹۶-۹۷؛ استرآبادی، ۱۳۶۶: ۳۱۲-۳۰۶). گاهی نیز در جریان محاصره با آگاهی از اختلاف میان محصورین و کمبود آذوقه محاصره طولانی در پیش گرفته می‌شد و اهالی قلعه را به تسلیم وادار می‌کردند. زمانی که رضاقلی برای فتح بلخ روانه شد اهالی اندخود با او به مقابله پرداختند و به قلعه‌داری اقدام کردند. در این میان

رضاقلی میرزا با آگاهی از اختلاف میان محصورین و کمبود آذوقه محاصره را تنگ‌تر کرد و اهالی قلعه با تقاضای صلح تسلیم شدند (مروی، ۱۳۶۹: ۱/۵۷۳-۵۷۵).

۱۲-۴. قطع کردن خطوط ارتباطی

یکی از مهم‌ترین شیوه‌ها برای قلعه‌گیری قطع کردن خطوط ارتباطی قلعه بود. نادر برای پیشبرد اهداف خود در محاصره‌ی بغداد، گذرگاه‌ها و راه‌های منتهی به این منطقه را مسدود کرد. او پلی بر روی دجله بست و دو سوی شط و قلعه را مسدود کرد، به طوری که امکان عبور و مرور را از اهالی منطقه سلب کرد (کشمیری، ۱۹۶۰: ۱۵-۱۶؛ حزین لاهیجی، ۱۳۳۲: ۹۷؛ استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۰۰؛ هندی، ۱۳۹۳: ۱۰۳؛ اوتر، ۱۳۶۳: ۱۳۱). گاهی برای تنگ کردن محاصره افزون بر قطع کردن خطوط ارتباطی، نیروهایی را جهت جلوگیری از رساندن آذوقه به محصورین به مناطق مختلف گسیل می‌کردند. نادر پس از محاصره‌ی محمدشاه گورکانی این شیوه را به کار گرفت. زمانی که محمدشاه در محاصره قرار داشت تمامی راه‌های ارتباطی او را مسدود کردند. نادر همچنین شماری از امرا را به همراه ۱۰۰۰۰ نفر برای تصرف و اقامت در گذرگاه‌های شاهجهان‌آباد و بانی‌پت روانه کرد تا کمک‌رسانی به اردوی محمدشاه را مختل کند. سپس گروهی را به سوی کشمیر روانه کرد تا مانع از کمک‌رسانی آن‌ها به اردوی هند شوند. با این تمهیدات در راه شاهجهان‌آباد به مقدار ۳۰-۴۰ هزار اسب و فیل و شتر آذوقه که برای کمک به اردوی محمدشاه روان شده بودند، در بانی‌پت توسط خانعلی‌خان توقیف شدند (بازن، ۱۳۶۵: ۱۷؛ حزین لاهیجی، ۱۳۳۲: ۱۳۰؛ مروی، ۱۳۶۹: ۱/۷۲۹-۷۳۱). به همین دلیل اردوی هند با کمبود آذوقه مواجه شد به طوری که یک قرص نان را در اردو ۱۰ روپیه فروخته می‌شد. در چنین شرایطی محمدشاه پس از ناکامی در ادامه‌ی محاصره تقاضای صلح کرد (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۵۷). نادر در مواقعی برای قطع کردن خطوط ارتباطی به ساخت برج‌های نظامی در مسیرهای رفت و آمد نیز اقدام می‌کرد. او در ۱۱۵۰ ه.ق پس از محاصره‌ی قندهار به فاصله‌ی هر صد قدم برج‌هایی احداث کرد و تفنگ‌چینی در آن‌ها گماشت. چون افغان‌ها در مسیرهای میان برج‌ها دسبرد می‌زدند، دستور داد فاصله‌ی برج‌ها را کمتر کنند تا از این طریق تمام راه‌های منتهی به قلعه مسدود شود. با این اقدامات کسانی که برای

تهیه آذوقه از قلعه بیرون می‌آمدند توسط تفنگ‌چیان مستقر در برج‌ها کشته می‌شدند (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۳۹۰؛ استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۸۹-۲۹۰). همچنین در ۱۱۵۸ ه.ق زمانی که نادر برای مقابله با یگن‌پاشا روانه شد، به‌منظور جلوگیری از رسیدن آذوقه به سپاه عثمانی، معابر قارص به ارزروم را مسدود کرد (مروی، ۱۳۶۹: ۱۰۶/۱؛ استرآبادی، ۱۳۹۰: ۴۰۸).

۱۲-۵. ساختن استحکامات در هنگام محاصره برای تسلیم کردن دشمن

در بسیاری از مواقع محاصره‌ی قلعه‌های نظامی و شهرها سبب می‌شد تا متحصنین با گردآوری تجهیزات لازم برای محاصره‌ی طولانی و کشاندن محاصره به فصل سرما نیروهای مهاجم را به عقب‌نشینی وادار کنند. درمقابل نیروهای مهاجم به ایجاد استحکامات و پایگاه‌های نظامی اقدام می‌کردند. در این شرایط سربازان با پناه گرفتن در پایگاه‌های ساخته شده تا زمان تسلیم دشمن به محاصره ادامه می‌دادند. نادر پس از تاج‌گذاری با سپاهی ۱۰۰۰۰۰ نفری روانه‌ی فتح قندهار شد. او پس از رسیدن به این منطقه دستور داد نیروهای نظامی به ساختن خانه و پایگاه‌های نظامی اقدام کنند. با این شیوه هم سربازان بی‌کار نمی‌ماندند و هم به حسین‌شاه فهماند که تا تسخیر قندهار محاصره را ادامه خواهد داد. درمقابل حسین‌شاه به گردآوری آذوقه اقدام کرده و محاصره به مدت یک سال به طول انجامید؛ اما درنهایت قلعه‌ی قندهار تصرف شد (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۳۹؛ هنوی، ۱۳۹۳: ۱۸۲؛ حزین‌لاهیجی، ۱۳۳۲: ۱۲۰-۱۲۶؛ استرآبادی، ۱۳۶۶: ۳۸۹، آصف، ۱۳۸۲: ۲۱۰؛ استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۸۹؛ مروی، ۱۳۶۹: ۴۹۳/۱-۴۹۴). نادر گاهی با ایجاد استحکامات و پایگاه‌های نظامی و اسکان خانواده‌های سربازان در این مناطق سعی داشت نیروهای نظامی را برای جنگ و دفاع از پایگاه‌های ساخته شده مهیا کند. وی در محاصره‌ی بغداد به ساخت خانه و پایگاه برای سربازان اقدام کرد و خانواده‌های نیروهای نظامی را در آن‌ها اسکان داد. نادر با پی‌گیری این سیاست سربازان را برای حفظ مال و جان خانواده‌شان برای جنگیدن و شکست دشمن تحریک می‌کرد. در مقابل اهالی بغداد با آگاهی از تمهیدات نادر برای ادامه‌ی محاصره، به وحشت افتادند و نادر پیوسته با فرستادن پیغام مبنی بر تسلیم در مقابل او به ترس آن‌ها می‌افزود (هنوی، ۱۳۹۳: ۱۰۶). در مواقعی که محاصره‌کنندگان با برف و

سرما مواجه می‌شدند برای گذراندن سرما و ادامه محاصره به ساخت پایگاه‌های زمستانی اقدام می‌کردند. سرخاب و اوسمی، سرکردگان لزگی‌ها، پس از شکست از نادر و همراهی با او، در فرصت مناسب بنای مخالفت گذاشتند. در این زمان نادر پیش از حمله به نیروهای عثمانی برای سرکوب اوسمی روانه شد. او پس از رسیدن به دربند دستور داد، برای محاصره‌ی دشمن به ساخت استحکامات زمستانی اقدام کنند. اوسمی با آگاهی از این اقدام پسرخود را به همراه شماری از بزرگان به منظور عفو و بخش نزد نادر فرستاد (استرآبادی ب، ۱۳۶۶: ۵۵۲-۵۶۳).

۱۲-۶. قلعه‌گیری با توپ

در شرایطی که استفاده از شیوه‌هایی مذکور مؤثر واقع نمی‌شد، از توپ‌های قلعه‌کوب استفاده می‌شد و با تعبیه‌ی توپ‌ها در مکان مناسب و شلیک آن‌ها عرصه بر محصورین تنگ می‌شد و در نتیجه قلعه تسخیر می‌شد. نادر برای تسخیر قلعه‌های دربند (مروی، ۱۳۶۹: ۲۴۴/۱)، بلخ (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۹۳-۲۹۴؛ استرآبادی، ۱۳۶۶: ۳۹۷-۴۰۰)، کابل (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۵۲-۱۵۳؛ استرآبادی، ۱۳۹۰: ۳۰۹-۳۱۰؛ استرآبادی، ۱۳۶۶: ۴۱۹-۴۲۱؛ مروی، ۱۳۶۹: ۵۶۳/۱-۵۶۵؛ هنوی، ۱۳۹۳: ۱۸۶؛ ملکم، ۱۳۷۹: ۴۸۱/۲)، اورل، قلعه‌یمرزی عثمانی (مروی، ۱۳۶۹: ۸۹۱/۱) و کرکوک (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۳۸۵؛ استرآبادی، ۱۳۶۶: ۶۲۴-۶۲۵؛ مروی، ۱۳۶۹: ۸۹۲/۱) از توپ و زنبورک‌های خمپاره‌انداز استفاده کرده و اهالی این قلاع را به تسلیم وادار کرد.

نتیجه

نادر با استفاده از نبوغ نظامی خود در بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف جنگی و با سرکوب حکام ایالات و طوایف شورشی اوضاع ایران را آرام کرده و در رأس هرم قدرت ایران قرار گرفت و سپس به مقابله با قدرت‌های برون‌مرزی پرداخت. نادر برای جلوگیری از وقوع جنگ اقدام به فرستادن ایلچیان می‌کرد تا با ایجاد ترس و وحشت از عواقب نافرمانی، وعده‌ی تضمین جان و مال اهالی منطقه و گوش‌زد کردن عدم مقاومت مناطق بزرگ‌تر در مقابل سپاه وی، به تطمیع مخالفان پردازند. استفاده

از این شیوه هم تلفات سپاه را کم می‌کرد و هم مناطق دیگر را وادار به اطاعت می‌کرد. استفاده از اخبار جاسوسان مبنی بر خطر مخالفت علیه حکومت مرکزی، چگونگی استقرار نیروهای دشمن و نیروهای کمکی آن‌ها و همچنین آگاهی از تشکیلات نظامی آن‌ها سبب می‌شد تا بهترین شیوه برای مقابله با آنها در پیش گرفته شود. غافلگیری نیز یکی از شیوه‌هایی بود که نادر به هنگام شمار زیاد نیروهای دشمن با استفاده از روش‌های مختلفی مانند استتار نیروهای نظامی، عقب‌نشینی مصلحتی و به دام انداختن نیروهای دشمن، سرعت عمل در تجهیز سپاه، شبیخون زدن و کمین کردن از آن استفاده می‌کرد. در مواقعی که شمار نیروهای دشمن زیاد بود از سلاح‌های گرم نیز برای پیروزی بهره می‌گرفت. نادر در بسیاری از مواقع برای مشروع جلوه دادن اقدامات نظامی خود از انگیزه‌های مذهبی و سیاسی بهره می‌گرفت. گاهی نیز با ایجاد تفرقه در میان نیروهای دشمن، جلب نظر افرادی از گروه مقابل و خیانت آن‌ها به ولی‌نعمت خود، آن‌ها را در مقابل هم قرار داده و مسیر رسیدن به پیروزی را آسان‌تر می‌کرد. گاهی نیز با شایعه‌پراکنی در مورد کشته شدن فرماندهان در جنگ و یا به قتل رساندن آن‌ها، در نیروهای طرف مقابل آشفتگی ایجاد کرده و پیروزی بر دشمن را تسهیل می‌کرد. نادر گاهی که در نبردهای خود با مشکل مواجه می‌شد و احساس می‌کرد که شکست خواهد خورد، با تهییج فرماندهان و نیروهای خود و وعده‌هایی مانند دادن انعام و پاداش و جیره و مواجب، به دلگرم کردن نیروهای خود برای رسیدن به پیروزی می‌پرداخت و با این کار انگیزه‌ی دوچندانی به آن‌ها می‌داد. در هنگام محاصره‌ی قلاع نیز از ترفندهای مختلفی مانند آب بستن به قلاع، نقب زدن در زیر دیوارها و برج‌های قلعه، محاصره‌ی طولانی‌مدت، قطع کردن خطوط ارتباطی قلاع، ساختن استحکامات در مقابل قلاع و استفاده از قلعه کوب و توپ برای تسخیر آن‌ها استفاده می‌کرد. ویران کردن اطراف مراکز اصلی شهرها و از بین بردن محصولات کشاورزی نیز پیش از اقدام به محاصره‌ی مراکز اصلی شهرها و برای در تنگنا قرار دادن محصورین و همچنین ایجاد رعب و وحشت در میان آن‌ها از دیگر شیوه‌هایی بود که نادر برای پیروزی از آن بهره می‌گرفت.

فهرست منابع و مطالعات

- آصف (رستم‌الحکما)، محمدهاشم. (۱۳۸۲)، رستم‌التواریخ، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب.
- آکسورثی، مایکل. (۱۳۹۵)، ایران در عصر نادر، ترجمه صادق زیباکلام، تهران: روزنه.
- اوتر، ژان. (۱۳۶۳)، عصر نادرشاه، ترجمه دکتر علی اقبالی، تهران: جاویدان.
- استرآبادی، میرزا محمد مهدی‌خان. (۱۳۹۰)، تاریخ جهانگشای نادری، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب.
- استرآبادی، میرزا مهدی‌خان. (۱۳۶۶)، دره‌ی نادره: تاریخ عصر نادرشاه، به اهتمام جعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- بازن، پادری. (۱۳۶۵)، نامه‌های طبیب نادرشاه، ترجمه‌ی علی اصغر حریری، به کوشش بدرالدین یغمایی، تهران: انتشارات شرق.
- حدیث نادرشاهی. (۱۳۷۶)، تصحیح، تحشیه و تعلیقات رضا شعبانی، تهران: بعثت.
- دوکلستر، آ. (۱۳۴۶)، تاریخ نادرشاه، ترجمه محمدباقر امیرخانی، تبریز: سروش.
- رضازاده شفق، صادق. (۱۳۸۹)، نادرشاه، تهران: شهرزاد.
- سالک، داود (۱۳۹۵)، زندگی پرماجرایی نادرشاه افشار (نادر ناجی ایران)، تهران: معیار علم.
- سایکس، سرپرسی. (بی‌تا)، تاریخ ایران، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، جلد ۲، تهران: بی‌نا.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۹)، تاریخ ایران در عصر افشاریه، تهران: سخن.
- طهرانی، محمدشفیع. (۱۳۴۹)، تاریخ نادرشاهی، نادرنامه، به‌اهتمام رضا شعبانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- فریزر، جیمز بیلی. (۱۳۹۸)، گزیده سفرنامه جیمز فریزر (ملاقات با نادرشاه)، به‌کوشش فرشاد ابریشمی، تهران: آوازه‌ی ابریشمی.
- فسائی، حسن حسینی. (۱۳۶۷)، فارسنامه‌ی ناصری، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- فلور، ویلم. (۱۳۶۸)، حکومت نادرشاه (به روایت منابع هلندی)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- قدوسی، محمدحسین. (۱۳۸۷)، نادر نامه، تهران: دنیای کتاب.
- قوزانلو، جمیل. (۱۳۰۹)، تاریخ نظامی جنگ ایران و هند از جنگ‌های نادرشاه، تهران: بی‌نا.

- کرتی، کاتولیکوس آبراهام. (۱۳۹۶)، تاریخ من و نادر، شاه ایران (وقایه‌نامه آبراهام کرتی)، ترجمه از متن اصلی قرن هجده و حواشی و تعلیقات جورج بورنوتیان، ترجمه فارسی فاطمه اروجی، تهران: طهوری.
- کشمیری، عبدالکریم. (۱۳۲۲)، در رکاب نادرشاه، ترجمه محمود هدایت، تهران: سپهر.
- کشمیری، عبدالکریم. (۱۹۶۰)، بیان الواقع: احوال و سرگذشت نادرشاه، تصحیح و تحقیق دکتر کی بی نسیم، پاکستان: اداره‌ی تحقیقات پاکستان دانشگاه پنجاب لاهور.
- کندوله‌ای، الماس خان. (۱۳۹۶)، جنگنامه نادر به زبان هورامی (دوره‌ی نادری)، مصحح و مترجم مظهر ادوای، تهران: ققنوس.
- گلستانه، ابوالحسن. (۱۳۴۴)، مجمل‌التواریخ: شرح وقایع و رویدادهای سی و پنج ساله‌ی بعد از نادرشاه و ذیل زین‌العابدین کوهمره‌ای ملقب به امیر در تاریخ زندیه، حواشی و اعلام و فهرست به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- لارودی، نورالله. (۱۳۸۸)، نادر پسر شمشیر، تهران: پارسه.
- لکه‌پارت، لارنس. (۱۳۳۱)، نادرشاه، ترجمه و اقتباس مشفق همدانی، تهران: شرق.
- مرعشی صفوی، محمدخلیل بن داود. (۱۳۶۲)، مجمع‌التواریخ: در انقراض صفویه و وقایع بعد تا سال ۱۲۰۷ ه.ق، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال، تهران: کتابخانه‌ی سنایی و طهوری.
- مرو، محمدکاظم. (۱۳۶۹)، عالم آرای نادری، تصحیح و مقدمه و توضیحات و حواشی و فهرست‌ها محمدامین ریاحی، جلد ۱-۳، تهران: علمی.
- ملکم، سرجان. (۱۳۷۹)، تاریخ کامل ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، جلد ۳، تهران: افسون.
- مینورسکی، ولادیمیر. (۱۳۱۳)، تاریخچه‌ی نادرشاه، ترجمه رشید یاسمی، تهران: مجلس.
- نامی اصفهانی، محمدصادق. (۱۳۶۳)، تاریخ گیتی‌گشا، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- هنوی، جونس. (۱۳۹۳)، زندگی نادرشاه، ترجمه‌ی اسماعیل دولتشاهی، تهران: علمی و فرهنگی.